

بررسی تاریخ شفاهی شهر سلطانیه^۱ " بررسی آثار معماری شهر تاریخی سلطانیه بر اساس متون تاریخی و تاریخ شفاهی "

حامد بیگدلی: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی روزبه، زنجان.

bigdeli.hamed@ roozbeh.ac.ir

محمد باقری: استادیار، گروه معماری، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی روزبه، زنجان.

bagheri.mohammad@ roozbeh.ac.ir

فرخ اسدی: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی و غیر انتفاعی روزبه، زنجان.

Farokh.asadi@roozbeh.ac.ir

لیلا زارع: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی و غیر انتفاعی روزبه، زنجان.

leila.zare@roozbeh.ac.ir

چکیده

شهر سلطانیه دارای بناها، تپه ها و، آثار طبیعی زیادی از دوره‌های مختلف تاریخی، قبل و بعد از اسلام است. برخی از این آثار با گذشت سالیان هنوز پا برجا مانده‌اند و برخی نیز بر اثر عوامل مختلف سیاسی و طبیعی تخریب و بعضاً تبدیل به تپه‌های تاریخی شده‌اند، لذا طبق شواهد و متون تاریخی می‌توان اینگونه بیان کرد که این شهر برای حاکمان و فرمانروایان وقت، حائز اهمیت بوده است. برای شهرهای تاریخی مانند سلطانیه، با توجه به قرار گرفتن در نقطه سوق الجیشی، مسیر ارتباطی بین شمال غرب به دیگر نقاط کشور و شرایط آب و هوایی مطلوب، محل مورد علاقه بیشتر پادشاهان بوده است و همچنین اینکه سلطانیه زمانی پایتخت ایلخانان مغول بوده است، اتفاقات سیاسی زیادی رخ داده و بناهای مهم مختلفی اعم از عام المنفعه و خصوصی در شهر قدیم سلطانیه احداث گردیده است. این اتفاقات سیاسی و محل و کاربری بناهای قدیمی که در عصر حاضر با توجه به تخریب چند باره شهر، برخی از این بناها دیگر وجود ندارند، سینه به سینه نقل شده تا به امروز برسد. لذا اهمیت این چنین پژوهش‌ها در این است که این خاطرات و اطلاعات از زبان سالخوردگان و شخصیت‌هایی که در گذشته در شهر سلطانیه فعالیت‌های علمی داشته‌اند به صورت مکتوب درآید. چرا که در بعضی موارد منابع مکتوب با توجه به دستکاری‌های مصلحتی در تاریخ شهر بخاطر مسائل سیاسی و غیره نمی‌تواند پاسخگوی نیاز پژوهشگران باشد. سوالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که بناها و آثار تاریخی که در عصر معاصر موجود بوده و بر اثر گذشت زمان تخریب و یا به فراموشی سپرده شده‌اند کدامند؟ تاریخچه و ساخت اینگونه بناها به چه دوره‌ای بر می‌گردد؟ لذا سعی شده در نتیجه بررسی‌ها با کمک افراد سالخورده‌ی بومی شهر و پژوهشگران به موقعیت چندین بنای از بین رفته و موجود اشاره کرد.

واژگان کلیدی: تاریخ شفاهی، سلطانیه، ارگ، دوره ایلخانی، سلطان محمد خدابنده

^۱ - شهرستان سلطانیه یکی از شهرستانهای هشت گانه استان زنجان می باشد.

مقدمه

در مورد شهر سلطانیه با آن عظمت که زمانی پایتخت دولت مقتدر ایلخانی بود کتب و مقالات متعددی تاکنون به چاپ رسیده و اساتید فن هر کدام با معیارهای علمی بر تشریح آثار بجا مانده گذشته و اهمیت مجموعه تاریخی شهر خصوصا بنای عظیم گنبد سلطانیه، این شاهکار هنر عصر ایلخانی پرداخته‌اند و ابعاد مختلف هنر و معماری این بنای بی‌بدیل را از نظر ساختار کلی، طبقات مختلف، شبستان‌ها، مناره‌ها و گنبد و تزیینات داخلی و رنگ آمیزی‌های متنوع و اشکال مختلف هندسی و نقوش ریز و درشت و ظریف و طرح‌های مختلف و کاشیکاری‌های فیروزه‌ای و لاجوردی و طلایی و ... مورد مطالعه دقیق قرار داده‌اند.

گنبد سلطانیه یکی از آثار عظیم و به یاد ماندنی دوره ی ایلخانی است که پس از کلیسای سانتاماریا در فلورانس ایتالیا و مسجد ایاصوفیای استانبول سومین بنای عظیم تاریخی در جهان است این بنا یکی از شاهکارهای هنری و معماری است که با استفاده از نبوغ و خرد اساتید اهل فن در محاسبات دقیق طرح و اجراء و نیز شیوه‌ی معماری و تزیینات داخلی و بیرونی ساخته شده و اثری ماندگار را به جهان عرضه داشته است. در خصوص ساخت بنا، اکثر مورخان شروع آن را به سال ۷۰۴ ه. ق نسبت می‌دهند و برخی آنرا به سال ۷۰۳ یا ۷۰۵ ارجاع می‌دهند و تاریخ اتمام بنای گنبد شهر سلطانیه را ۷۱۳ ه. ق می‌دانند. با استناد به منابع تاریخی و کاوش‌های صورت گرفته ارگ سلطنتی و گنبد سلطانیه در درون حصاری سنگی با دروازه اصلی شمالی و جنوبی و شانزده برج دیده‌بانی محصور بوده و خندقی به فاصله ۱۷ متر از قلعه به پهنای ۳۰ تا ۴۰ متر به عمق غایت مفاک به گفته‌ی حافظ ابرو دور تا دور قلعه را گرفته بوده است و هریک از امرا و صاحب منصبان دیوانی به فراخور حال در داخل ارگ عمارات و قصرهایی را ساخته بوده‌اند که در آثار نقاشی بعضی از سیاحان این قصرها نمایان است (ملکی، ۱۳۹۰، ۴۲).

پژوهشگران از دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه شفاهی در گردآوری این پژوهش استفاده نموده‌اند. مصاحبه با افراد مصاحبه شونده، به لحاظ سن و اطلاعات موجود در دست انتخاب شدند، هر چند در مصاحبه‌ها با مشکلاتی همچون فراموشی افراد در بیان ریز خاطرات و توضیحات بیش از حد و به حاشیه رفتن مصاحبه کنندگان در حین بحث مواجه بودیم. به طور کلی این پژوهش در چهار بخش جمع بندی شده است: بخش اول شامل متون تاریخی، در بخش دوم، آنچه توسط سالخوردگان بومی ساکن در شهر سلطانیه نقل شده، در مرحله اول فیلمبرداری و ضبط و در مرحله دوم، عینا آنچه از زبان مصاحبه شونده‌گان بیان شده، مکتوب و سپس چکیده مطالب اشاره شده در این پژوهش تحریر شده است. در این بخش به مباحثی همچون بناهای موجود و تخریب شده در شهر تاریخی پرداخته شده است. در بخش سوم، با یک نفر از باستانشناسان که در دهه هشتاد شمسی، در شهر سلطانیه فعالیت علمی داشتند مانند مرحله دوم، ابتدا فیلمبرداری و ضبط، سپس به رشته تحریر درآمده است. در این بخش نیز آثار به دست آمده حاصل از کاوش و گمانه زنی مورد بحث قرار گرفته است. فصل چهارم هم پیوست که شامل عکس‌هایی از شهر قدیم و جدید سلطانیه همراه با نقشه هاست.

پیشینه تحقیق

از تاریخ شفاهی، افراد و مجموعه‌های مختلفی از جمله مارتاراس، لیندا شاپز، تعریف واحد مجموعه‌های خاص کتابخانه دانشگاه کانزاس، جودیت میر، کارگاه آنلاین تاریخ شفاهی ویتنام، تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند که اغلب دارای تشابه هستند. ولی به طور کلی باید گفت تاریخ شفاهی، یک روش پژوهش تاریخی برای جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از حافظه افراد سهیم در رخدادها تاریخی و یا شاهدان عینی آن‌ها در هر طبقه اجتماعی است. تاریخ شفاهی سندی از جنس صوت و تصویر است که یک منبع دست اول تاریخی است. باید یادآور شد در حوزه‌ی آثار تاریخی شهر سلطانیه، اثری با عنوان تاریخ شفاهی سلطانیه تا کنون به چاپ نرسیده است. مورخان منابع دست اول تاریخی را به چند دسته تقسیم می‌نمایند:

- ۱- منابع مکتوب مانند: خاطرات، نامه‌ها، دست نوشته‌ها
- ۲- اسناد دولتی مانند: نامه‌ها و مکاتبات اداری، مدارک ثبت و قراردادها و ...
- ۳- مدارک چاپی مانند: روزنامه‌ها، مقالات و زندگی نامه‌های خود نوشت
- ۴- منابع تصویری مانند: عکس، فیلم، نقشه و کاریکاتور
- ۵- منابع تاریخ شفاهی مانند: گزارش شاهدان عینی و مستند
- ۶- مصنوعات فیزیکی مانند: ابزار و وسایل (شیوه نامه تاریخ شفاهی، ۱۳۹۲، ۶).

روش تحقیق

- ۱- انتخاب موضوع : باتوجه به در دسترس بودن افراد مناسب به عنوان مصاحبه شونده، پژوهشگران تصمیم به تحقیق در مورد بناهای موجود و تخریب شده شهر تاریخی سلطانیه گرفتند.
- ۲- تهیه طرح: بعد از انتخاب موضوع، باید به تبیین اهداف و اولویتهای طرح اقدام کرد. پژوهشگران نیز در این باره از افراد مصاحبه شونده متولدین سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۸ طی برنامه زمانبندی معین، اقدام به مصاحبه حضوری و ضبط صدا و فیلمبرداری در شهر تاریخی سلطانیه نمودند.
- ۳- انجام پژوهش و طرح سوال: در این مورد نیز قبل از مراجعه به شهر سلطانیه و اقدام به شروع مصاحبه با افراد مورد نظر، با مراجعه به متون تاریخی و کتاب‌ها و مقالات نوشته شده در مورد شهر سلطانیه سوال‌هایی یادداشت شد که که از مصاحبه شونده‌گان پرسیده شود.
- ۴- انجام مصاحبه: اصلی‌ترین فعالیت در تاریخ شفاهی، مصاحبه می‌باشد که در عین سادگی، دارای پیچیدگی و ظرافت بسیار زیاد است. پژوهشگران با توجه به حالات روحی و روانی مصاحبه شونده‌گان اقدام به انجام مصاحبه نمودند. تا پاسخ‌های مناسب را از آن‌ها بگیرند.
- ۵- ثبت سند مصاحبه: پس از پایان مصاحبه، اسناد حاصل از مصاحبه شامل عکس، فیلم، صوت و غیره در آرشیو گردآورندگان ذخیره گردید.
- ۶- پیاده سازی مصاحبه: کلمه به کلمه گفتگوها توسط پژوهشگران بر روی کاغذ انتقال یافت و نتیجه‌ی این مصاحبه در پژوهش بیان گردید.

شاخصه‌های انتخاب مصاحبه شونده

۱) دارای اطلاعات و شواهد مستقیمی در مورد موضوع پژوهش است. ۲) از حافظه خوب و سالم برخوردار باشد. ۳) منشا اثر یا دارای نوآوری، خلاقیت و سوابق فرهنگی، هنری، سیاسی. ۴) مصاحبه آثار و تالیفات در رشته مورد نظر.

بخش اول: متون تاریخی

۱. جغرافیای سیاسی و انسانی و طبیعی

شهرستان سلطانیه یکی از شهرستان‌های هفت‌گانه استان زنجان می‌باشد. بنا به آخرین تغییرات با وسعتی معادل ۱۰۷۸ کیلومتر مربع متشکل از ۳ دهستان گوزلدرد، دهستان سلطانیه، و دهستان سنبل آباد در قسمت شمال شهرستان ابهر بین مدارهای جغرافیایی با مختصات ذیل ۳۶ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۸ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. فاصله شهر سلطانیه تا مرکز استان ۳۵ کیلومتر و تا شهرستان خدابنده ۴۰ کیلومتر می‌باشد و فاصله شهر سلطانیه تا جاده ترانزیت تهران- زنجان پنج کیلومتر است. سلطانیه در ۱۲ کیلومتری رشته کوه های البرز و طارم در شمال و در هفت کیلومتری رشته کوه‌های معروف به سلطانیه در جنوب قرار دارد. بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی استان حدود ۵۳ آبادی در محدوده‌ی جغرافیایی این بخش مستقر می‌باشد این بخش از شمال به شهرستان‌های زنجان و طارم و از شرق به استان قزوین و از جنوب به دهستان صائین قلعه و از غرب به شهرستان‌های ایجرود و خدابنده محدود می‌باشد.

۲. حاکمان مغول و ایلخانان ایران

با فروپاشی خوارزمشاهیان و تسلط چنگیز بر ایران برای اداره امور، حاکمان مغولی ناچار به تشکیل حکومت با نظر و همکاری وزیران ایرانی شدند که سلاطین مغولی و ایلخانی بدین قرار بر قلمرو ایران حکومت نموده‌اند (ملکی، ۱۳۹۰، ۵-۶):

۱- هولگوخان بن تولوی بن چنگیزخان (۶۶۳-۶۵۳ یا ۶۵۱). ۲- اباقاخان بن هولگو (۶۸۰-۶۶۳). ۳- سلطان احمد تگودار بن هولگو (۶۸۳-۶۸۱). ۴- ارغوان خان بن اباقاخان (۶۹۰-۶۸۳). ۵- گیخا توخان بن اباقاخان (۶۹۴-۶۹۰). ۶- بایدوخان بن ترغای بن هولگو (۶۹۴-۶۹۰). ۷- سلطان محمود غازان بن ارغون خان (۷۰۳-۶۹۴). ۸- سلطان محمد خدابنده اولجاتیو بن ارغون خان (۷۱۶-۷۰۳). ۹- سلطان ابوسعید بهادرخان بن اولجاتیو (۷۳۶-۷۱۶). ۱۰- آرپاگاون بن اریق بو کابن تولوی (۷۳۶-۷۳۶). ۱۱- موسی خان بن علی بن بایدوخان (۷۳۶-۷۳۶). ۱۲- محمدخان بن یوقلتغ بن انبارجی بن منگو تیمور بن هولگو (۷۳۸-۷۳۶). ۱۳- طغا تیمورخان (۷۵۳-۷۲۷). ۱۴- ساتی بیگ دختر اولجاتیو (۷۴۰-۷۳۹). ۱۵- شاه جهان تیمورخان (۷۴۰-۷۳۹). ۱۶- سلیمان خان شوهر ساتی بیگ (۷۴۴-۷۴۰). ۱۷- انوشیروان عادل از اولاد هولگو (۷۵۶-۷۴۴).

۳. شهر سلطانیه

اولجاتیو در سال ۷۰۴ ه. ق بنای شهر سلطانیه را پی افکند و آن را مدت ۱۰ سال به اتمام رساند بطوری که این شهر یکی از شهرهای بزرگ دوره‌ی خود گردید و ابنیه و ساختمان‌ها و عمارات بسیاری از قبیل مدرسه، مساجد، حمام‌ها، کاروانسراها، مهمانخانه، موسسات عمومی و بازارها در آن تاسیس شد و پیشه‌وران و صنعتگران از اقصی نقاط قلمرو ایلخانی به سلطانیه آمدند و جمعیت بیشماری در شهر اسکان یافتند و عملاً به قدرت سیاسی و اقتصادی بزرگ عصر خویش درآمد و به گفته‌ای بعد از شهر تبریز اولین شهر مملکت ایلخانی گردید بنا به دستور اوجاتیو امرا و وزرای ایلخانی هرکدام به سهم خود در بنیاد عمارات و محلات با تمام امکانات سعی بلیغ نمودند و بنا به گفته نویسنده کتاب نفایس الفنون، اولجاتیو جهت مرقد خود گنبدی بسی عالی هشت منار بر سر آن ساخت. اولجاتیو در رمضان سال ۷۱۶ وقتی که در اطراف سلطانیه به شکار مشغول بود دچار پا درد سختی شد و اعتدال مزاجش رو به وخامت گذاشت بر اثر خوردن غذاهای لذیذ مرضش عود کرد و در ۲۸ رمضان آن سال وقتی ۴۰ سال بیش نداشت پس از ۱۲ سال و نه ماه سلطنت فوت کرد و در گنبدی که خود ساخته بود به خاک سپردند. اولجاتیو مجموعاً از ایلخانان خوب ایران بود و در زمان وی مردم در رفاه و صلح بودند و علم و ادب رونق یافته و در زمان او عمران و آبادی رونق داشت و چند شهر نیز خود ساخت (ملکی، ۱۳۹۰، ۱۳-۱۱).

۴. معیار پیدایش شهرها در قرون وسطی و بنیان سلطانیه

ابن خلدون در ساختن شهرهای جدید در قرون وسطی رعایت چند نکته را ضروری می‌داند. ۱- ایجاد برج و بارو و حصارهای استوار در اطراف شهر تا از راه دیده‌بانی و مراقبت مهاجمین را تار و مار کنند و یا با شبیخون دشمن روبرو نشوند. ۲- برای اینکه شهر به محیط خود مسلط باشد و بهتر بتواند با خطرات احتمالی و حمله دشمنان مقابله کند بهتر است که در مناطق مرتفع و کوهستانی ساخته شود. ۳- برای سلامت اهالی باید شهرها را در مناطق خوش آب و هوا و سالم بنیان نهاد. ۴- چون آب یکی از ضروریات زندگی است باید حتی الامکان شهرها را در کنار دریا یا رودخانه‌ها و یا نزدیکی چشمه‌های گوارا به وجود آورد. ۵- باید کوشید که در مجاورت هر شهر چراگاه‌های خرم بوجود آورد تا هم به بهبود هوای شهر کمک کند و هم مرتع مناسب برای حیوانات باشد. ۶- به درخت کاری در اطراف شهرها و شهر باید توجه کرد که گذشته از تصفیه هوا به تامین سوخت و پخت و پز و سقف خانه‌ها لازم است (راوندی، ۱۳۶۴، ۲۸۷).

شاخصه‌هایی که ابن خلدون ذکر نموده شرایط مطلوب و حداکثری در پدیداری شهرهای آن دوره می‌باشد امکان تحقق مواردی مثل کوهستانی بودن و یا در کنار دریا بودن و وجود مراتع و... در مناطق مختلف آب و هوایی و جغرافیایی امری بعید به نظر می‌رسد ولی داشتن حداقل‌هایی از موارد فوق می‌تواند مد نظر باشد. بنیان شهر سلطانیه نیز که در قرون وسطی پی‌ریزی و احداث گردیده از شاخصه‌های مذکور دارای مواردی چند بوده است. راوندی نیز چنین بیان داشته است «که عوامل طبیعی چون احوال اقلیمی، وضع آب و هوا، کم و کیف ریزش باران و وجود رودخانه‌ها، چشمه‌ها و قنات‌ها در پیدایش و گسترش شهرها از دیرباز تأثیری بسزا داشته است» (راوندی، ۱۳۶۴، ۲۸۲).

۵. شرویز در متون تاریخی و مرغزار آن

کهن‌ترین متنی که نام شرویز در آن آمده سلجوقنامه نیشابوری (متوفی ۵۸۲ ه. ق) است. وی در این باره می‌نویسد سلطان ارسلان ابن طغرل ابن محمد در سال ۵۶۲ ه. ق به مرغزار شرویز وارد شد. نیز اعتماد السلطنه در کتاب تطبیق لغات جغرافیای قدیم و جدید به تصحیح میرهاشم محدث از سلطانیه به نام "نیز آگامی" یاد می‌کند (حمزه لو، ۱۳۸۱، ۳۶). کتیبه‌ای که به پادشاهان آشوری منتسب است سلطانیه را به همین نام یا شرویز ذکر نموده که با توجه به مطالب مندرج در کتب تاریخی جامع التواریخ، تاریخ مبارک غزانی و... که در کنار شهر سلطانیه و قبل از احداث آن شهری بنام شرویز وجود داشته و مورد توجه بوده است و بنابر روایت کتاب تاریخ مبارک غزانی تمدن شرویز در عهد غزانی پسر ارغوان خان هنوز برقرار بوده است (فصل نامه فرهنگ زنجان، شماره ۱۰، ۱۱، ۱۳۸۱، ۱۰۸).

۶. آثار بجا مانده

آنچه از منابع تاریخی عهد ایلخانی و مشاهدات سیاحان در ادوار بعد از آن استنباط می‌شود آثار و مستحاث و مساجد و قصرها و ابنیه‌ی فراوانی در سلطانیه انشاء شده بود که بنا به روایت مورخان در طی تهاجمات متعدد به شهر، هر بار بخش‌هایی از آن آثار از بین رفته است. به غیر از آثار مشهود گنبد سلطانیه، مقبره ویر، خانقاه چلبی اوغلی، گنبد ملاحسن کاشی، تپه نئور و معبد داش کسن در روستای ویر، تپه‌های قلعه، کاروانگاه سنبل آباد و نیز تپه‌ای به نام قوش خانه در اراضی خالصه در جنوب سلطانیه وجود دارد که به نظر می‌رسد این مکان محل استقرار قشون بوده و به مرور زمان از قشون خانه به قوش خانه تبدیل شده است این مکان شکل هندسی خاصی دارد و در صورت کاوش می‌توان یافته‌های جدیدی را کشف کرد به غیر از این مکان آثار بارویی طولی در جنوب سلطانیه و نیز در ضلع شمالی چمن سلطانیه پایین اراضی قنات سوکهریزان به طول چمن وجود دارد که این آثار شاید متعلق به دوره‌ی قبل از ایلخانی باشد چرا که اکثر مورخان جهانگردان، سلطانیه را شهری بدون بارو و حصار قید نموده اند.

علاوه بر آثار یاد شده در زیر خرابه‌های شهری به وسعت سی هزار گام محیط آثار دیگری نیز که در زمان ساخت شهر سلطانیه در بناهای تاریخی به آن‌ها اشارت رفته وجود دارد که نیازمند کاوش‌های باستان شناسی است به طوریکه بنا به نظر سیاحان و نقاشی‌های ترسیم شده توسط بعضی از آن‌ها بناهای دیگری به غیر از حصار و قلعه سنگی در جوار گنبد و بیرون از ارگ وجود داشته و تا این اواخر بنای مسجد جامع در شمال غربی شهر در آثار سیاحان دیده می‌شود و منطقه بازار در غرب سلطانیه که در زمان تاج الدین گیلانی احداث گردیده بود و متأسفانه بر اثر بی‌مبالاتی اخیراً توسط شهرداری تسطیح گردید. و به طور کلی می‌توان گفت که به مجموعه‌ی شهر تاریخی سلطانیه آنگونه که باید نگریسته نشده و در ایجاد بناهای جدید بر مسئولین امر است که از اسلوب خاصی پیروی گردد و در سامان دادن امور شهری، تمدن گذشته و تاریخی شهر سلطانیه مد نظر قرار گیرد. از جمله آثار ارزشمند به جا مانده عبارتند از: ۱. قلعه و ارگ سلطنتی - ۲. گنبد سلطانیه - ۳. خانقاه و مقبره‌ی چلبی اوغلی - ۴. مقبره‌ی مولانا شیخ حسن کاشی - ۵. آرامگاه یا معبد داش کسن - ۶. تپه نئور(ملکی، ۱۳۹۰، ۵۶-۳۸).

۷. ادامه حیات شهر

آنچه از اسناد تاریخی بعد از دوره ایلخانی هویدا است تسلط بر شهر سلطانیه بر هر حاکمی به لحاظ اعتبار گذشته آن از اهمیت برخوردار بود و تصرف آن به مثابه تسلط بر قلمرو بزرگ ایلخانی بوده به این سبب است که هرگاه سلطانیه توسط حاکم و مدعی دیگری تهدید و یا تصرف می‌شد لشکرکشی برای بازپس گیری مجدد آن آغاز می‌گردید این مسئله بارها در این دوره مشهود است بطوریکه شاهرخ میرزا و ابوسعید گورکانی از هرات برای رفع تصرف سلطانیه توسط میرزاجهانشاه قراقویونلو به سمت سلطانیه عزیمت می‌کند که متأسفانه این دست بدست شدن‌ها موجبات بیشتر ویرانی و عدم امنیت ساکنین شهر را فراهم می‌نمود. چنانچه میرزا جهانشاه قراقویونلو برای مقاومت در مقابل شاهرخ میرزای گورکانی به گفته مورخ، درها و تخته‌های دکان‌ها و بازار را تخریب و به داخل قلعه می‌برد و یا گروهی از اهالی به لحاظ ترس از قتل و غارت به بلاد دیگر فرار می‌کنند در این دوره‌ی تاریخی در عهد اوزون حسن، سفیر جمهوری و نیز و آبدوسیو کنتاویینی هر دو بعد از توصیف گنبد سلطانیه و بناهای دیگر شهر را نسبتاً بزرگ ارزیابی می‌کنند و بازار خرید و فروش کالا را در بازار شهر پر رونق، در خاتمه دوره‌ی قراقویونلو و آق قویونلو نظر سیاحان درج می‌گردد(ملکی، ۱۳۹۰، ۱۲۰).

۸. جمع بندی اجمالی از مشاهدات سیاحان

با جمع بندی اجمالی از مشاهدات سیاحان این واقعیت آشکار است که تخریب و حیات در کنار هم، همواره استمرار داشته ولی در ارزیابی این عناصر غلبه بیشتر با تخریب بوده است که انعکاس این امر در مشاهدات سیاحانی که بعد از عهد ایلخانی تا اواخر عهد قاجار از سلطانیه بازدید نموده‌اند روشن می‌گردد اکثر آن‌ها در ادوار مختلف به وسعت خرابی‌های شهر اشاره دارند و بنا به منابع تاریخ عوامل تخریب در طی قرون همواره انسانی بوده و تنها یک مورد زلزله بوده است. با وجود دست به دست شدن‌های زیاد سلطانیه توسط حاکمان و مدعیان قدرت به لحاظ موقعیت جغرافیایی و اعتبار گذشته، که هر بار نیز با تخریب و قتل و غارت همراه بوده و بعضاً سبب مهاجرت‌های مردم به لحاظ عدم امنیت و یا کوچاندن اجباری اهالی. با این حال بنا به ملاحظات سیاحان تا اواخر دوره‌ی صفوی سلطانیه موقعیت و اعتبار خود را بطور نسبی حفظ کرده است.

عدم توجه کافی به عمران شهرها در عهد نادرشاه به لحاظ جنگ‌های متعدد و تحمیل هزینه جنگ‌ها بر مردم و دوره‌ی منازعات قدرت بعد از نادرشاه و در عهد کریم خان زند و عوامل مذکور در بحث افول سلطانیه سبب گردیده که سلطانیه موقعیت نسبی خود در دوره‌ی صفوی را از دست بدهد این موضوع در ملاحظات سیاحانی که در دوره‌ی قاجاریه از سلطانیه بازدید داشته‌اند قابل درک است در این دوره نیز سیاحان به آثار وسیع خرابه‌های شهر اشاره دارند که بخشی از آن از گذشته‌های دور و بخشی شاید به بلاسکنی ماندن در مدت محدود دوره‌ی وبا و یا تبعات زلزله سال ۱۲۰۳ هـ ق و یا تخریب فتحعلی شاه می‌توان منتسب دانست. بعد از اوایل عهد قاجار و فروکش نمودن جنگ و ثبات عهد ناصری، بنا به توصیف سیاحان آثار رشد و توسعه کم کم پدیدار می‌شود بطوریکه به گفته‌ی کنت دوگوبینو در سال ۱۲۷۴ هـ ق کاروان‌هایی به سمت سلطانیه در حرکت است و در همان دوره‌ی میرزاعلی سررشته دار از وجود ۴۰ باب دکان و ۳۰ کاروانسرا و بارانداز و ۴۰ قنات دایر خبر می‌دهد که حکایت از برقراری راه‌های ارتباطی بازرگانی و تجاری با عنایت به مسیر چارپاری از طریق سلطانیه و افزایش جمعیت و فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی دارد(ملکی، ۱۳۹۰، ۲۷۶-۲۷۵).

۹. بعضی از رخداد‌های مهم سلطانیه

- ۱- بنا به نوشته ابوالقاسم کاشانی در سال ۷۱۲ هـ ق در بعضی از نقاط بازار شهر سلطانیه آتش افتاد با مال و ضیاع و قماش فراوان اما با همت وزیر بی‌نظیر، خواجه تاج الدین به یک هفته خرابی‌ها سرعت یافت(تاریخ اولجاتیو، ۷۱).
- ۲- بعد از حکومت ایلخانان، در ادوار مختلف تاریخی حملات متعددی از جانب مدعیان سلطنت و بعضاً حاکمان منطقه‌ای برای استیلای خود به سلطانیه صورت گرفته که در موارد مختلف موجبات تخریب و ویرانی قسمت‌هایی از شهر سلطانیه گردید.
- ۳- وقوع مرض طاعون در سال ۸۲۹ هـ ق در سلطانیه (رولمو، ۱۳۴۹، ۲۲۷).
- ۴- وبای عظیم سال ۹۹ - ۱۱۹۸ هـ ق که عامل مرگ و میر بسیاری گردیده و سلطانیه از سکنه خالی شده است(دارالعرفان خسته)
- ۵- وقوع زلزله حدود سال ۱۲۰۳ هـ ق / ۱۸۰۴ م باعث تخریب و آسیب گنبد شده است(امپرسز، ملویل، ۱۳۷۰).

۶- تخریب بناهای تاریخی توسط کارگزاران فتحعلی شاه و حمل مصالح آن‌ها به قصر خاقانی در قلعه به روایت سیاحان بارون، قلمباری، جانسون ۱۳۳۳، جیمز موریر ۱۲۲۳ هـ. ق.

۷- شیوع وبا در اواخر عهد شیوع وبا در اواخر عهد فتحعلی شاه (روضه الصفاء: ج ۱۰) بیماری وبا و طاعون در سال ۱۲۴۷ هـ ق در خمسه شیوع داشته است (متمقی، ۱۳۸۲، ۱۶۸).

۸- زلزله سال ۱۸۸۱ م ۱۲۶۰ هـ ش همزمان با سالی که خانم دیولافوا به ایران آمده از گنبد دیدن کرده است زلزله، بنیان و اسکلت گنبد را لرزانده وی نشانی از تخریب در سفرنامه‌اش اشاره نکرده است (مخلص، ۱۳۶۴، ۱۰).

۹- قحطی در زمستان سال ۱۲۸۹ هـ ق به گفته جیمز باست مبلغ مسیحی که در سال ۱۸۷۱ م از سلطانیه دیدن نموده به گفته راهنمای محلی به وی حدود ۵۰۰ جسد از کودکان و مهاجران از شدت سرما و برف در باروی عرضی گنبد بوده که بعلت یخ زدگی زمین نتوانسته بودند مراسم تدفین را انجام دهند (سفرنامه جیمز باست) بنا به اظهار یکی از ریش سفیدان حال حاضر ایشان در ایام کودکی بخشی از اجساد آن قحطی را در سردابه دیده است.

۱۰- اجحافات مالیاتی و شرارت‌های جهان‌شاه خان.

بخش دوم: مصاحبه با سالخوردهگان بومی شهر تاریخی سلطانیه

مشخصات مصاحبه شوندهگان: آقای شیخ قاسم ملکی ۱۰۵ ساله - آقای عباس بابامرادی (دباغ) ۸۳ ساله - آقای عوض امیدی ۷۱ ساله - آقای حاج مهدی زمانی

۸۹ ساله - آقای حاج میرزا قلاکلتتری ۹۵ ساله - آقای کربلایی اسد ملایی (نانوا) ۶۹ ساله.

محل مصاحبه: شهر سلطانیه

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳ - ۱۳۹۶/۰۴/۲۵

۱- گنبد، آسیابهای آبی و بناهای داخل ارگ

در شهریور سال ۱۳۲۰ ارتش روس‌ها وارد سلطانیه شدند و در کنار بالا کهریز (قنات کوچک) چادر زدند، چند ماهی آنجا سکونت داشتند تا اینکه در فصل زمستان به نقل قول از یکی از مصاحبه شدگان (سید عباس) به انبار قدیمی که مانند اکثر بناها و ساختمان‌های روستا با گل و سنگ و چوب ساخته شده بود، نقل مکان نمودند. و به نقل یکی دیگر از مصاحبه شوندهگان بومی شهر، روس‌ها روبروی مدرسه بدر و در کنار امامزاده (منزل کهنه بابایی) سکونت داشتند. نهایتاً ارتش روس‌ها در ۲۰ اسفند همان سال، سلطانیه را ترک و به سمت تهران حرکت نمودند. چهار سال بعد در سال ۱۳۲۴ فدائیان وارد سلطانیه شدند. نیروهای دیگری نیز از طرف همدان و خدابنده به آن‌ها ملحق می‌شدند. محل اسکان فدائیان بدین صورت بود که، فرمانده در خانه اجدادی حاج علی جعفری ساکن بود و نیروها نیز روبروی آن منزل، در محل فعلی باب الحوائج اسکان نمودند. سربازان فدائیان برای گذراندن اوقات فراغت، گنبد را به گلوله می‌بستند و خوشحالی می‌کردند. یکسال به همین منوال گذشت تا اینکه فدائیان از سلطانیه رفتند.

در مورد بناهای قدیمی شهر سلطانیه می‌توان گفت که در زمان احمدشاه این شهر دارای ۱۲ عدد دگرمان (آسیاب آبی) بود که یکی از آن‌ها مربوط به سالار بود و از چشمه خالصه، آب آن تامین می‌شد و دیگری به نام شامر بود. و بعدها نیز حدود سال ۱۳۴۰ آقای باسقی (اهل تهران) در شمال سلطانیه آسیابی به نام آتشی را احداث کرد، که تعداد این آسیاب‌ها به دو عدد رسید و این آسیاب‌ها تا سال ۱۳۸۵ فعال بود. آسیابان‌ها از مناطق مختلف جهت اجاره این مکان‌ها می‌آمدند. در مسیر آب آسیاب‌ها حالت تنوره‌ای بود که آب از آن تنوره‌ها می‌جوشید و بالا می‌آمد و آسیاب‌ها را به کار می‌انداخت. آسیاب‌ها در یک ردیف و به فاصله چند صد قدمی هم قرار داشتند. به روایتی سلطانیه قدیم دارای ۳۶ عدد قنات فعال بود (بالا کهریز، جلوخانه و ...) که این قنات‌ها دور تا دور سلطانیه موجود بود و امروزه دیگر این آسیاب‌ها تخریب شده‌اند. در سلطانیه تعداد کهریز (قنات) ۳۲ چشمه بود که کاملاً سالم بودند، و منطقه را سرسبز و پر درخت کرده بودند. آب قنات‌ها ۵ ماه به چمن می‌رفت و چمن را آبیاری می‌کرد.

دور تا دور ارگ مانند امروز نرده‌کشی نشده بود و ساختمان‌هایی که در کنار گنبد قرار داشتند در دو طبقه بنا شده بودند، طبقه زیرین آن طویله برای حیوانات بود و طبقه بالا برای اسکان مردم. پایه‌های سنگی که اکنون بعد از کاوش آشکار شده‌اند خیلی پایینتر از طویله‌های آن زمان بود. در داخل ارگ کنونی که آن زمان خانه‌های روستایی بود محلی جهت برگزاری مراسم تعزیه وجود داشت. اطراف میدان بزرگ روستا (آرالیق) را بازارچه و مغازه‌هایی احاطه کرده بودند که امروزه تخریب شدند. بعدها در حفاری چاه‌ها مشخص گردید که در زیر ساختمان‌های موجود در ارگ پایه ساختمان‌های قدیمی وجود دارد که سازمان میراث فرهنگی از آن آگاه و نسبت به خریداری و آزادسازی ارگ اقدام نمودند.

در داخل ارگ، بناهای قدیمی‌تر از حمام سالار (که مربوط به دوره ی قاجار است) وجود داشت. ولی چون برای ساخت اینگونه بناها از خشت خام استفاده شده بود و همچنین روش ساخت آن به سبک روستایی بوده و مانند حمام سالار دارای تکنیک خاص ساخت نبود، به مرور بر اثر عوامل طبیعی و انسانی تخریب شده است. یک قبرستان قدیمی نیز در شهر، تقریباً در فاصله نیم کیلومتری از شهر قرار دارد که در زمین‌های معروف به وردیجان است. این قبرستان به گور قبری (قبرستان‌های مربوط به افراد غیر مسلمان) معروف است.

۲- خیابان و جاده‌های قدیمی شهر

در کنار ارگ تاریخی سلطانیه کوچه‌هایی بود که در زمان پهلوی تبدیل به خیابان‌های عریض شد. خیابان کشتی‌ها طی دهه ۶۰ بعد از انقلاب تعریض گردید. که الان به شکل امروزی مشاهده می‌شود. قدیمی‌ترین راه مربوط به راه سنبل آباد و صائین قلعه که نهایتاً به قزوین منتهی می‌شد، بود. جاده ترانزیت زنگان قزوین کنونی در سال ۱۳۷۴ به اتمام رسید و قبل از آن فقط راه قدیم با کمی تفاوت با جاده موجود، وجود داشت.

۳- کاروانسراهای قدیمی داخل ارگ

کلا ۳ کاروانسرا در بافت قدیم و در داخل ارگ موجود بود. یکی از آن‌ها به اسم، که تقریباً تا دهه ۴۰ فعال بود، دو کاروانسرای دیگر، یکی متعلق به مشهدی رجب و دیگری هم برای عزیزخان بود. که از روستاهای اطراف انگور، بادام، گردو و... به این کاروانسراها می‌آوردند و مردم نیز مایحتاج خود را (بعضی برای استفاده خود و برخی نیز برای فروش در مغازه‌ها) از آنجا تامین می‌کردند. حدود شش باب مغازه قصابی هم در میدان قدیمی داخل ارگ وجود داشت، که هر روز یک

قصاب به صورت نوبتی کشتار می‌کردند. در میدان قدیمی داخل ارگ تقریباً ۸۰ باب مغازه وجود داشت که همگی قبل از انقلاب به شغل‌های مختلفی همچون آهنگری، مسگری، رنگرزی و قهوه‌خانه مشغول بودند.

۴- حمام‌ها و مساجد قدیمی شهر

ابتدا حمام قدیمی خدایار در کنار مسجد باب الحوائج بنا شد. سپس حمام سالار که قبلاً منزل مسکونی اجداد ملکی‌ها بود که بعدها توسط سالار خریداری و بنای حمام احداث شد. چندین سال بعد حمام خدایار تخریب شد. و حمام‌های دیگری نیز کنار آموزش و پرورش و در کنار منزل بابامرادی بنا شده بود و همینطور حمام تقی هم کنار کارگاه جوشکاری فعلی در ضلع شرقی ارگ تاریخی وجود داشت. از حمام‌های موجود فقط دو حمام سالار و حمام تقی تاریخی بودند. از مساجدی که در کنار گنبد سلطانیه امروزه نیز موجود است به علامه حلی و مسجد سید ابراهیم می‌توان اشاره کرد. سپس مسجد باب الحوائج که به آن مسجد تازه هم می‌گفتند، ساخته شد. بعداً مسجد سیدلر، اصغریه و مسجد صاحب الزمان... احداث شدند. سلطانیه، یک باب تکیه هم داشت که کربلایی حسین بابایی آن را در میدان آرائیق ساخته بود و آن زمان فرماندار جهت شرکت در مراسم تعزیه به آنجا می‌آمدند.

۵- مدرسه و درمانگاه قدیمی شهر

در زمان‌های قدیم مدرسه‌ای در سلطانیه موجود نبود، مدارس تقریباً در دهه ۴۰ احداث شدند. محل آموزش و پرورش فعلی، آن زمان منزل آقای صیرفیان بود، و ایشان آن زمین را آباد کرده و چند ساختمان در آن محل ساختند.

درمانگاه و طبیب خانه به صورت رسمی تقریباً ۵۰ سال پیش یعنی دهه ۵۰ احداث شد. یکی از آن‌ها در محله طالبیه بنا شد که اغلب پزشکان که به مداوای بیماران می‌پرداختند هندی بودند. همچنین همزمان طبابت به صورت سنتی و داروهای گیاهی توسط افراد بومی منطقه نیز انجام می‌گرفت.

۶- گورهای دسته جمعی و حفاری‌های داخل بنای گنبد سلطانیه

اواخر دوره قاجار مردم زیادی بر اثر گرسنگی و قحطی از بین رفتند و به دلیل کثرت کشته‌شدگان، مردم توانایی دفن آن‌ها را نداشتند. لذا همه مرده‌ها را به صورت دسته جمعی در سردابه موجود در داخل گنبد سلطانیه دفن می‌کردند.

وسط بنای گنبد سلطانیه تونلی موجود بود که این تونل به طرف شرق گنبد امتداد داشت. داخل تونل به صورت حجره حجره بود که مقدار زیادی اسکلت وجود داشت. بعدها در کنار گنبد چاهی کشف شد که داخل آن فقط سرهای بدون بدن بود که به سر آن‌ها گل میخ زده بودند. همچنین در حفاری‌ها شیئی بنام هفت جوش به تعداد ۸ عدد که به صورت میله‌های مسی بود کشف شد و بنا به گفته کارشناسان از جنس مس، جهت انتقال نیروی حاصل از رعد و برق به زمین بود. بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ فردی بنام حاج موسی یهودی، گروهی کارگر استخدام نموده بود که در خرابه‌های تاریخی مشغول حفاری بودند، آجرهای حاصل از حفاری دستمزد کارگرا بود و اشیای قیمتی خارج کشف شده برای موسی بوده است.

بخش سوم: مصاحبه با فردی که در شهر تاریخی سلطانیه فعالیت علمی داشتند.

مشخصات مصاحبه شونده: آقای ابوالفضل عالی متولد ۱۳۵۲، دکتری باستان شناسی.

محل مصاحبه: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۰۴/۱۸

ارگ سلطانیه توسط چهار خیابان محصور شده که از ضلع شمالی خیابان انقلاب، از ضلع جنوبی خیابان اریباد، از ضلع شرقی خیابان شهید بهشتی و از ضلع غربی خیابان جمهوری اسلامی که ادامه آن به خیابان قدس راه دارد و شهر قدیم و همچنین ارگ سلطانیه در داخل آن بوده است. سال ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ خانه‌های داخل ارگ توسط میراث فرهنگی خریداری و برخی از این خانه‌ها تخریب و بعضی‌ها هنوز پا برجا بودند که با پیگیری‌های واحد حقوقی سازمان میراث فرهنگی همه این خانه‌ها خریداری و مالکین در داخل ارگ به خارج از ارگ منتقل شدند و داخل ارگ کلاً آزادسازی شد.

تابستان سال ۱۳۷۲ کاوش‌هایی در سه بخش از گنبد سلطانیه صورت گرفت که کلاً به مدت سه ماه به طول انجامید. بخش‌های کاوش عبارت بودند از:

۱. ضلع شرقی داخل گنبد سلطانیه، محدوده‌ای که ادامه سردابه گنبد بود.
۲. ارگ سلطانیه، که از چند سال پیش آزادسازی آن شروع شده بود. اداره کل میراث فرهنگی خانه‌هایی که در داخل ارگ قرار داشتند را خریداری و نسبت به تخریب آنها اقدام نمود و بعد از تخریب، کار باستان شناسی آغاز شد.
۳. بخش بیرون از ارگ قدیم و ورودی شهر سلطانیه به نام بازار بود.

۱- یافته‌های باستان شناسی از قست سردابه

ضلع شرقی گنبد، محدوده‌ی خیلی مهمی است که سردابه گنبد ادامه پیدا می‌کند، محلی است که سفال‌هایی با عنوان کتیبه ابواب البر از آنجا پیدا شدند. در کاوش آن قسمت، لایه‌ای بود که سکه دوره صفوی پیدا شد. آقای دکتر میر فتح لایه‌های بالاتر، قسمت‌های دیگر ارگ مثل پهلوی، قاجار، صفوی و همین‌طور در لایه پایین‌تر لایه ایلخانی بود. سردابه زیر تربت خانه است و به سمت شرق ادامه پیدا می‌کند و الان قسمت موجود قسمتی است که بازسازی شده است. در قسمت شرقی، ته رنگ‌هایی از یک بنای خاص موجود است که می‌توان گفت ساخت و سازها مربوط به دوره ایلخانی هستند، یا بالاتر از لایه دوره ایلخانی (چون شهر سلطانیه از دوره معاصر تا دوره ایلخانی و قبل‌تر از دوره ایلخانی) حتی آثاری از دوره سلجوقی موجود می‌باشد.

۲- ارگ سلطانیه

در متون تاریخی در مورد ارگ سلطانیه به موارد زیادی اعم از ابعاد و اندازه ارگ، برج و بارو، سنگ‌های مورد استفاده، بناهایی با کاربری اداری و عام‌المنفعه مانند شفاخانه، مهمانسرا و مدرسه اشاره شده است. گنبد سلطانیه یکی از بناهایی بود که داخل ارگ وجود داشته است و تعداد خیلی زیادی بنا نیز تخریب شده‌اند. تنها بنایی که از دروره ی ایلخانی در ارگ سالم مانده گنبد سلطانیه است. دروازه شمالی، دروازه جنوبی و ساخت و سازهای سمت شرقی گنبد احتمالاً از دوره ایلخانی است.

بناهایی از دوره ایلخانی در داخل ارگ (طبق متون تاریخی) وجود دارند و البته بناهایی که مربوط به عصر متاخرتر می‌باشند (مسجدی که در کنار گنبد به نام مسجد علامه حلی و حمام سالار) نیز امروزه پابرجا هستند.

۳- خندق دور ارگ

هنگامی که ارگی ساخته شد، یک خندق نیز برای آن در نظر گرفته می‌شود. مطراچی یکی از قدیمی‌ترین نقاشی‌هایی که در دوره صفوی، بعد از تخریب‌هایی که در سلطانیه صورت گرفته تصاویری تهیه کرده است. در نقاشی ذکر شده داخل شهر بناهای مختلفی دیده می‌شود، که از همان سنگ‌هایی که امروزه به سنگ‌های ارگ می‌شناسیم ساخته شده‌اند، همچنین جوی‌های آب و رودخانه‌هایی که در داخل شهر روان بوده‌اند. به نظر می‌رسد که احتمال زیاد این ارگ هم دارای خندق بوده است. مسئله خیلی مهم دیگر که در کاوش‌ها بدست آمده است، این است که سطح دوره‌ی ایلخانی حدود ۲ متر پایین‌تر از سطح فعلی شهر سلطانیه است. این اختلاف سطح را بر اساس کف سطحی که به اسم بازار در زمین‌هایی در غرب سلطانیه، اراضی مسجد جامع یا چلبی اوغلو در ضلع غربی گنبد می‌توان مشاهده کرد، با توجه به مطالب ذکر شده، اول ارگ و بعد از آن خندق و در قسمت‌های پیرامونی فضاهای مختلف شهر قرار گرفته بود. بر اساس کاوش‌های انجام گرفته، سطح دوره‌ی ایلخانی (سطحی که مردم زندگی می‌کردند) پایین‌تر و بعد از دوره ایلخانی به ترتیب، دوره‌ی تیموری، دوره‌ی صفوی، دوره‌ی قاجار، ساخت و سازها باعث شده که سطح شهر بالا بیاید.

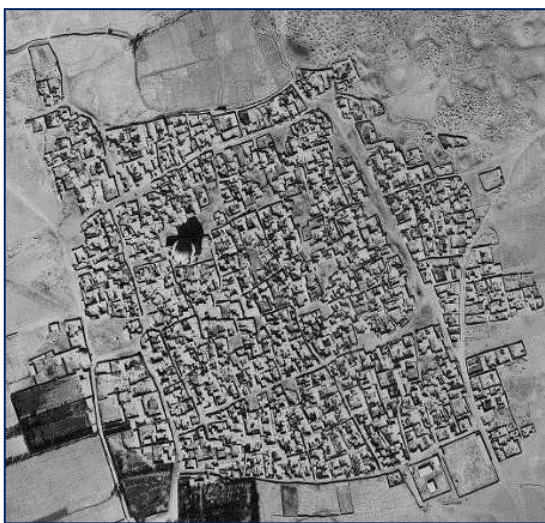
بازار در محدوده غربی سهر سلطانیه قرار دارد، بر اساس متون تاریخی، شهر سلطانیه خیلی بزرگتر از شهر فعلی بوده است و حدود صد هزار نفر جمعیت داشته است. در این شهر غیر از ارگ و شهر فعلی سلطانیه، بخش‌های دیگری هم در اطراف شهر مانند اراضی فنجان‌آباد در قسمت شرقی، اراضی مسجد جامع و بازار در ضلع غربی و بخشی هم در جنوب شهر که جزء محدوده‌ی شهر دوره ایلخانی دیده می‌شود، وجود داشتند. بعد از انحطاط شهر سلطانیه بعد از دوره ایلخانی، بیشتر اهالی سلطانیه کوچ می‌کنند و شهری که الان دیده می‌شود باقی می‌ماند. شهر در دو دهه اخیر کمی بزرگتر شده است ولی بقیه قسمت‌ها به صورت تپه‌های باستانی در آمده‌اند. یکی از اراضی اشاره شده، اراضی مسجد جامع است که در سال ۱۳۷۲ طبق کاوش‌های بدست آمده، تپه‌هایی واقع در پشت مسجد جامع، مجموعه‌ای از فضاهای معماری دیده می‌شود که دیوارهای این فضاها حدود ۲ متر ارتفاع، کف آن‌ها سنگ فرش و حجره‌های مختلفی که در آن وجود دارد شباهت زیادی به کاروانسرا دارد.

۴- تپه نور و کاخی که در زمان قاجار ساخته شده

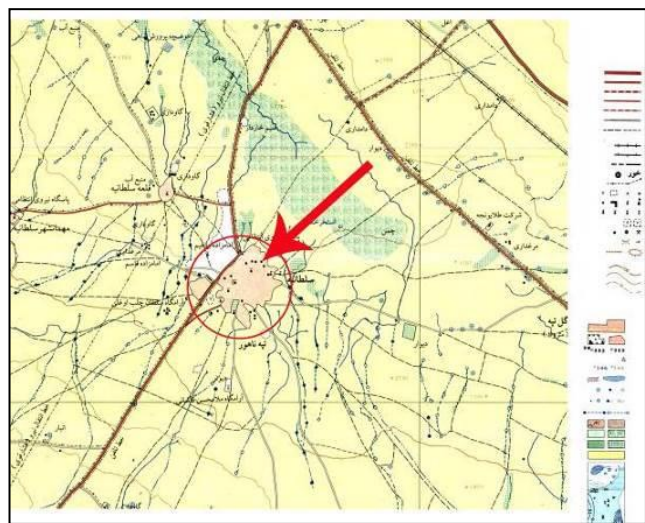
در قسمت‌های شمالی چمن سلطانیه، و قسمت‌های جنوبی آن، بخش‌های مختلفی از تپه‌ها وجود دارد. در قسمت‌های شمالی چمن سلطانیه تپه‌هایی از دوره اشکانی و دوره‌ی ساسانی و همینطور تپه قلعه (شمال غرب شهر) از دوره برنز، تاریخی و اسلامی وجود دارد. در نقاشی اشاره شده در بالا که توسط مطراچی در دوره صفوی تصویر شده، می‌توان مشاهده کرد بناهای مختلفی در شهر سلطانیه وجود داشته و برخی از آن‌ها که خیلی قدیمی‌تر هستند مثل تپه‌ی نور و دوره آن به پیش از تاریخ برمی‌گردد تخریب شده‌اند و تبدیل به تپه شده‌اند. قدمت تپه قلعه پیش از تاریخ می‌باشد و یا بعضی از تپه‌های داخل چمن سلطانیه مربوط به دوره‌ی پیش از اسلام هستند. تپه نور و تپه قلعه برای دوره پیش از تاریخ که آثار دوره‌ی برنز قدیم را دارند، دو تپه خیلی مهم شهر هستند، این دو تپه در دوره‌های بعد مثل دوره‌ی تاریخی، عصر آهن و در نهایت هم در دوره‌ی اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با توجه به کاوش‌هایی که توسط دکتر گنجوی در تپه نور انجام شده، نشانه‌ها و ساخت و سازهایی شبیه به آرامگاه یا رصدخانه در آن دیده می‌شود. در دوره‌ی ایلخانی سازه‌ای در بالای تپه قرار گرفته است، در تپه قلعه هم یک کاخ از دوره‌ی اوایل قاجار وجود دارد. فتحعلی‌شاه قاجار کاخی روی تپه قلعه درست کرد که این کاخ در دوره‌های بعد قاجار هم مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به موقعیت مکانی سلطانیه پادشاهان قاجار در مسافرت‌های خود از تهران به سمت غرب از این کاخ استفاده می‌کردند، همچنین در دوره‌ی قاجار، وقتی که لشکرکشی‌هایی انجام می‌شد، یا پادشاهان از این شهر عبور می‌کردند در این کاخ اردو می‌زدند. متأسفانه این کاخ در اواخر دوره‌ی قاجار تخریب شده و چیزی از کاخ باقی نمانده و تنها آثاری از پایه‌ها دیده می‌شود که اگر زمانی حفاری شود، می‌توان پلان کاخ تخریب شده را بدست آورد.

بخش چهارم

پیوست‌ها



عکس هوایی سال ۱۳۴۳.
منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



نقشه راه‌های منتهی به شهر سلطانیه، سال ۱۳۷۶.
منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



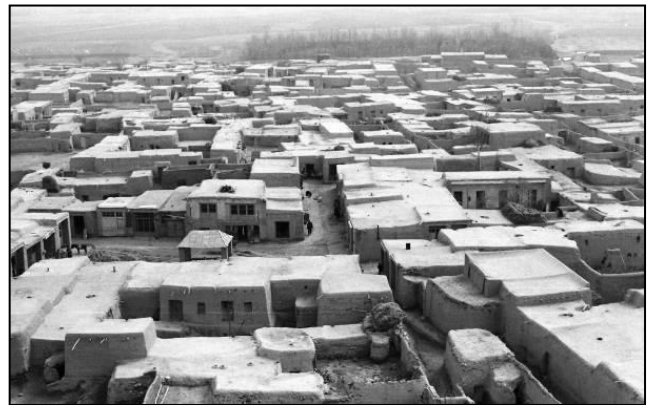
● مساجد قدیمی شهر
● امامزاده های قدیمی شهر
منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



راه های قدیمی شهر. منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



تصویری از ارگ، سال ۱۳۹۳. منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



تصویری از میدان، آرابیق. منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



بناهای خریداری شده و خریداری نشده در ارگ، سال ۱۳۶۸
منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی



بناهای موجود در ارگ، سال ۱۳۶۸. منبع: مرکز اسناد میراث

نتیجه گیری

پرداختن به تاریخ شفاهی هر چند دارای مشکلاتی که یکی از مهم ترین آن ها یافتن افراد مناسب جهت مصاحبه که بتواند به صورت کامل وقایع را بیان کند، می باشد و لیکن با مراحل آماده سازی مصاحبه های انجام شده و تهیه پایگاه های اطلاعاتی زمینه تحقیق و پژوهش برای محققان فراهم می شود. از ویژگی های مهم این پژوهش این بود که افراد مصاحبه شونده، بومی و همچنین شخصیت علمی، کاملاً آشنا به منطقه بودند. در طی انجام این پژوهش به مدت ۲۰۵ دقیقه مصاحبه به صورت فیلمبرداری و صوت و همچنین عکس از افراد سالخورده محلی و شخصیت های علمی، تهیه و در آرشیو پژوهشگران بایگانی گردید. نتایجی که در طول

انجام این پژوهش بدست آمد موجب روشن شدن اتفاقات سیاسی رخ داده که موجب احداث بناهایی شده و یا حتی منجر به تخریب برخی از بناها در دوره‌ی معاصر در شهرسلطانیه، به همراه محل، گردید. با کاربرد این اطلاعات می‌توان در بخش‌های رسانه‌ای، مجلات تخصصی، تحقیقات تاریخی و کشف و مرمت آثار مدفون مورد توجه واقع شود. به هر حال با توجه به رشد شهرنشینی و تغییر و تحولات صنعتی پرداختن به تاریخ به صورت جدی امری اساسی است که یکی از راه‌های ثبت تاریخ می‌تواند در محور تاریخ شفاهی بیان شود.

منابع و مآخذ

- ۱- ملکی، محمد. (۱۳۹۰) سلطانیه در گذر تاریخ. زنجان: انتشارات دانش زنجان
- ۲- نیرومند، کریم. (۱۳۸۵). شرح زندگانی دانشمندان و دوات رجال لشکری و کشوری استان زنجان. ناشر عود.
- ۳- نیکلاس، امپرسز؛ چارلز پیتر، ملویل. (۱۳۷۰). تاریخ زمین لرزه های ایران، ترجمه ابوالحسن راده، تهران نشر آگاه.
- ۴- احمدی، سجاد. (۱۳۸۵). جمع پریشان. زنجان: انتشارات نیکان کتاب
- ۵- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۷۶). تاریخ مغول و اوایل تیموری. نشر نامک.
- ۶- راوندی، مرتضی. (۱۳۶۴). تاریخ اجتماعی ایران؛ حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز. جلد ۵، انتشارات روزبهان.
- ۷- روملو، حسن. (۱۳۴۹) احسن التواریخ، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸- متقی، حسین. (۱۳۸۲). گلگشت؛ سیمای استان زنجان از منظر سیاحان و سفر نامه نویسان. قم: ناشر کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ۹- مخلص، محمدعلی. (۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سلطانیه. تهران: تهران ناشر.
- ۱۰- حمزه لو، منوچهر. (۱۳۸۱). هنرهای کاربردی در سلطانیه. نشر ماکان.
- ۱۱- نیک نفس، شفیقه سادات؛ صالحی فشمی، پیمان؛ محمدلو، رویا؛ آزاده، فهیمه؛ نورائی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۲). شیوه نامه تاریخ شفاهی. سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ۱۲- فرهنگ زنجان. (۱۳۸۱). اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، شماره ۱۰ و ۱۱.
- ۱۳- مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.